حماسه
شبهه‌شناسی
گفتمان‌سازی
و پاسخ‌گوئی
روزهای حماسه
دفاع مقدس
ویژه‌نامه
چندرسانه‌ای
ماهنامه شبهات
۱۱۹

ضربِ شست ملت مبعوث

شبهه: ایران چگونه محاسبات انتخاباتی ترامپ را برهم زد؟



شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا را نمی‌توان صرفاً جابه‌جایی چند کرسی در کنگره و سنا دانست. این نتیجه، نشانه‌ای از نارضایتی بخشی از جامعه آمریکا از سیاست‌های دولت دونالد ترامپ و به‌ویژه هزینه‌های تقابل نظامی با ایران بود؛ جنگی که قرار بود قدرت واشنگتن را به نمایش بگذارد، اما به‌تدریج به مسئله‌ای اقتصادی و انتخاباتی در داخل آمریکا تبدیل شد.

ترامپ با شعار اولویت دادن به منافع آمریکا، کاهش هزینه‌های زندگی و پرهیز از جنگ‌های پرهزینه به قدرت بازگشته بود. اما ورود به جنگ ایران، میان وعده‌های انتخاباتی او و واقعیت سیاست خارجی دولتش فاصله ایجاد کرد. افزایش قیمت انرژی، نگرانی از اختلال در بازار نفت، فشار بر هزینه حمل‌ونقل و تشدید نااطمینانی اقتصادی، جنگ را از خاورمیانه به زندگی روزمره آمریکایی‌ها منتقل کرد.

این همان نقطه‌ای بود که سیاست خارجی به مسئله‌ای داخلی تبدیل شد. شهروند آمریکایی که با دغدغه قیمت بنزین، اجاره خانه و هزینه مواد غذایی زندگی می‌کند، الزاماً حاضر نیست هزینه یک تقابل نظامی طولانی را بپردازد؛ به‌خصوص اگر نتواند دستاورد روشنی برای آن تصور کند.

غرور قدرت و خطای محاسباتی

شاید برای فهم عمیق‌تر این تحولات، بازخوانی سخنان آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در ۱۹ دی ۱۴۰۴ اهمیت داشته باشد. او درباره ترامپ گفته بود:

«آن بابایی (ترامپ) که با نخوت و غرور نشسته آنجا راجع به همه‌ی دنیا قضاوت میکند، او هم بداند که معمولاً مستبدّین و مستکبران عالم، از قبیل فرعون و نمرود و رضاخان و محمّدرضا و امثال اینها، وقتی که در اوج غرور بودند سرنگون شدند، این هم سرنگون خواهد شد.»

این سخن را می‌توان در چارچوب نقد تاریخی غرور قدرت و تصور تسلط بی‌حدوحصر بر سرنوشت دیگر ملت‌ها تحلیل کرد.

ترامپ با اتکا به برتری اقتصادی و نظامی آمریکا وارد تقابلی شد که ابعاد آن فراتر از محاسبات اولیه بود. اما تجربه جنگ نشان داد که برتری تسلیحاتی لزوماً به معنای توانایی تحمیل اراده سیاسی نیست.

ایران؛ جامعه‌ای فراتر از محاسبات نظامی

ضلع دیگر این معادله در ایران قرار داشت؛ کشوری که ظرفیت اجتماعی، تاریخی و ملی آن در محاسبات اولیه واشنگتن به‌درستی ارزیابی نشده بود.

ایران صرفاً مجموعه‌ای از تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های اقتصادی نیست. این کشور جامعه‌ای با حافظه تاریخی، هویت ملی و تجربه‌های متعدد مواجهه با فشار خارجی است. تصور اینکه برتری تسلیحاتی بتواند در زمانی کوتاه اراده سیاسی و اجتماعی یک ملت را تغییر دهد، ساده‌انگاری پیچیدگی‌های جامعه ایران بود.

مقاومت ملت مبعوث ایران را نیز نباید تنها در میدان نظامی جست‌وجو کرد. ایستادگی در برابر ترس، کمک به آسیب‌دیدگان، تلاش برای حفظ زندگی روزمره و دفاع از حق امنیت و استقلال، جلوه‌های دیگری از این مقاومت هستند.

مردم ایران با رهبری پرصلابت پیشوای خود، در برابر تهدید خارجی با مسئله‌ای مشترک روبه‌رو شدند: حق زندگی در سرزمینی امن و برخوردار از استقلال. این ایستادگی، قدرت نمایی الهی و ضرب شصت شایسته احترام است.

وقتی هزینه جنگ به صندوق رأی رسید

در سوی دیگر، پیامدهای اقتصادی جنگ به یکی از موضوعات مهم انتخابات آمریکا تبدیل شد. دموکرات‌ها توانستند کنترل هر دو مجلس کنگره را به دست آورند و جمهوری‌خواهان با شکست مواجه شدند.

البته این نتیجه فقط محصول جنگ ایران نبود؛ تورم، هزینه زندگی، سیاست‌های داخلی و نارضایتی از عملکرد دولت نیز نقش داشتند. بااین‌حال، جنگ یکی از عوامل مهم تشدید نارضایتی انتخاباتی بود.

نکته قابل تأمل آن است که ترامپ پس از انتخابات نیز نقش جنگ ایران را در شکست حزب خود پذیرفت. این مسئله نشان می‌دهد که تقابل نظامی، برخلاف انتظار، فقط در میدان نبرد باقی نماند و به یکی از موضوعات تعیین‌کننده در سیاست داخلی آمریکا تبدیل شد.

پایان غرور، آغاز بازنگری

شاید مهم‌ترین درس این تحولات برای واشنگتن آن باشد که قدرت نظامی لزوماً به معنای توانایی تحمیل اراده سیاسی نیست. در جهان امروز، هزینه‌های جنگ از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کنند و ممکن است در نهایت به صندوق رأی کشوری بازگردند که تصمیم به آغاز آن گرفته است.

مردم ایران نیز نباید ارزش مقاومت خود را صرفاً با شکست یک حزب آمریکایی بسنجند. اهمیت این ایستادگی در دفاع از حق تعیین سرنوشت، استقلال و امنیت ملی است.

سخن آیت‌الله خامنه‌ای درباره غرور قدرت را می‌توان در پرتو تحولات اخیر، هشداری درباره محدودیت‌های قدرت و ضرورت شناخت واقعیت ملت‌ها دانست.

واشنگتن می‌تواند آغاز یک جنگ را انتخاب کند، اما نمی‌تواند تمام پیامدهای آن را مطابق خواست خود مدیریت کند. گاهی بزرگ‌ترین شکست یک قدرت، نه در میدان نبرد، بلکه در فروپاشی محاسباتی رخ می‌دهد که تصور می‌کرد هیچ اراده‌ای قادر به ایستادگی در برابر آن نیست.